



جویبار می خزد

روی ماسه های نرم

خواب رفته لاک پشت

توی آفتاب گرم

**

می دود نگاه من

روی چوب و روی سنگ

چوبهای خشک و تر

سنگهای رنگ رنگ

**

جمع می کنم کمی

دانه دانه سنگ و چوب

بعد می کنم درست

خانه ای قشنگ و خوب

**

می دهم به لاک پشت

یک اتاق خانه را

خانه ی قشنگ ما

می شود پر از صفا

**

آه،توی این اتاق

او نمی رود به خواب

می رود یواشکی

زیر نور آفتاب